

## بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران، در روز عید مبعث - 29 / آذر / 1374

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنده هم این روز عظیم را به همه امت بزرگ اسلامی، بخصوص ملت مؤمن و عزیز ایران و به شما حضار محترم که کارگزاران نظام الهی و اسلامی هستید، تبریک عرض می‌کنم.

روز «بعثت»، تحقیقاً بزرگترین روز در تاریخ بشریت است. روز ولادت برجسته‌ترین و شریفترین مفاهیم و ارزشهاست. بعثت نبی اکرم علیه الصلوة والسلام، یک حرکت عملی بود تا بشر را از یک سو به سرمنزل کمال فردی، روحی و معنوی، و از سوی دیگر به تعالی زندگی اجتماعی و اصلاح وضع جوامع برساند. مسأله این است که در بعثت پیغمبر، آنچه به مردم هدیه شد، فقط تعدادی مفاهیم خشک و ارائه‌طریقی که رهروی در آن نیست و کسی زمام امور مردم را در آن راه در دست ندارد، نبود. از لحظه اول، این بعثت در وجود خود آن بزرگوار و سپس در روح و جان و در عمل مؤمنین به این پیام، تحقق یافت و جاهلیت، از لحظه اول، از این پیام ضربه خورد و با آن مقابله کرد. این، خصوصیت بعثت انبیاست.

این، مخصوص نبوت خاتم هم نیست. انبیا حرکت می‌کنند و آنچه را که در مقام تعلیم به انسانها هدیه می‌کنند، در عمل هم نشان می‌دهند. خودشان اولین کسانی هستند که این راه را طی می‌کنند.

«یَعْلَمُهُمُ الْكِتَابُ وَالْحِكْمَةُ» فرع این است که علم کتاب و حکمت در وجود مقدس نبی اکرم، در حد اعلی وجود دارد. «یَزَكِيهِمْ» فرع بر این است که آن وجود مطهر در حد اعلای ممکنه برای طبیعت بشری، تزکیه شده است. با این نیروست که می‌تواند دنیایی را به سمت تزکیه پیش ببرد. این، آن چیزی است که رهبران مکاتب مختلف و سر رشته داران مفاهیم گوناگون فلسفی، اجتماعی، سیاسی و غیره، از آن بیگانه اند. آنان چیزهایی به ذهنشان می‌رسد؛ در عالم تصور چیزهایی را می‌فهمند و آنها را به مردم هم تحویل می‌دهند. کسانی هم از آنها یاد می‌گیرند، یا نمی‌گیرند. این، غیر از ممشای انبیاست که از اول حرکت است، از اول اقدام است، از اول تحقق آن شعارهایی است که در زبان آنها وجود دارد و در عمل آنهاست. این، درست، در زندگی نبی اکرم پیش آمد. از لحظه اول، آن تعلیم و تزکیه و آن حرکت در راه اقامه قسط، آغاز شد. لذا از لحظه اول هم، مصادمه و معارضا شروع شد؛ از همان وقتی که پیغمبر اکرم دعوت خود را در پاسخ «و انذر عشیرتک الاقربین»، در یک سطح گسترش دادند، تا زمانی که در سطح عموم مردم آن را منتشر و علنی کردند و تا وقتی که در جهت نظام اجتماعی - که همان نظام عدل بود - حرکت نمودند و آن را اقامه کردند. البته چیزی که ما در بعثت مشاهده و توصیف می‌کنیم، رویه ظاهری بعثت است. آن حقیقت الهی و ملکوتی و چیزی که میان خالق متعال و یک انسان ممتاز و برگزیده اتفاق می‌افتد، از دسترس ذهن ما خارج است و ما نمی‌فهمیم که چه اتفاقی افتاده است. حادثه، از این جهت، فوق العاده عظیم است و برای ما قابل تصور نیست. آنچه ما می‌بینیم و در منظرمان قرار می‌گیرد، هر کس به قدر فهم و تدبیر خود، چیزی از آن می‌فهمد و همین حادثه، روی مخاطبان، انسان و دنیای پیرامون خود، تأثیر می‌گذارد.

از همان ابتدا که این حادثه به وقوع پیوست، دو چیز به صورت هدفی روشن، در آن وجود داشت: یکی ایجاد آن تحرک درونی، روحانی و نفسانی در توجّه دادن باطن انسان به خدای متعال. این، آن نکته اول است. یعنی مسأله ایمان، توجّه به پروردگار عالم، یا به تعبیر بسیاری از آیات قرآن، «ذکر». آنچه خدای متعال به وسیله بعثت، در درجه اول به انسانها می‌دهد، ذکر و تذکر و به خود آمدن انسان است. این، قدم اول است. تا این نشود، هیچ یک از اهداف بعثتها و نبوتها، تحقق نمی‌یابد. «اَتَمَّا تَنْذَرُ مَنْ اتَّبَعُ الذِّكْرَ». کسی که این تذکر را در خود به وجود آورد و از آن پیروی کند، بعد از آن زمان، قابل انذار، اصلاح، ارشاد، تکامل و مبارزه در راه هدفهای اجتماعی است. این، قدم اول است. بشر، وقتی از معنویت غافل شد، همه درهای اصلاح و صلاح به روی او بسته می‌شود. امروز به دنیایی مادی نگاه کنید! امروز آنچه که در دنیای مادی، می‌تواند کلید همه اصلاحات و سعادت‌ها محسوب شود، همین است که انسانها به خود آیند، متذکر شوند، هدف خلقت را از ورای این ظواهر مادی جستجو کنند و در ورای این ظواهر مادی زندگی،

که همین خور و خواب، شهوات، قدرت، مال پرستی و این چیزهاست، دنبال حقیقتی بگردند. ریشه فساد، عدم توجه به این باطن حقیقی عالم است. سرّ، معنا و باطن زندگی و حیات انسان، این است: متوجه یک مبدأ و تکلیف بودن. منتظر یک الهام بودن. گوش به فرمان یک مبدأ حاکم و قادر و صاحب اختیار از غیب بودن. این، اصل قضیه است؛ که باز تعبیر دیگر قرآنی، همان «ایمان به غیب» است: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ». در این ظواهر مادی زندگی غرق نمی شوند. زندگی را در همین خور و خواب، شهوات، تمایلات انسانی، قدرت، ریاست و امثال اینها، خلاصه نمی کنند. این، اولین هدیه بعثتها به انسانها و اولین هدف پیغمبر است؛ که آنها را متذکر کند و به آنها ایمان بدهد؛ آن هم ایمان به غیب.

هدف دومی که پیغمبر، از لحظه اول به دنبال آن بوده است، عبارت است از ایجاد یک محیط سالم و صحیح برای معیشت انسان و زندگی انسانی. یعنی دنیایی که در آن، ظلم و دریده شدن ضعیف به وسیله قوی نباشد. دنیایی که در آن، ناکامی مطلق برای ضعفا و قانون جنگ نباشد. یعنی همان چیزی که در اصطلاحات قرآن، حدیث، و اصطلاحات دینی، به آن «قسط و عدل» گفته می شود. یعنی بزرگترین آرزوی بشر. بزرگترین آرمان بشر از اول تاریخ انسان (یعنی از آن زمانی که انسان تعقلی یافته و فکری به سراغ او آمده، و به زندگی خود، نظم و ترتیبی داده است) تا امروز، آرزوی تحقق عدالت است. اکنون، بعضی شعار صلح را مطرح می کنند. البته صلح، چیز بسیار خوبی است؛ لکن صلح آن زمان خوب است که عادلانه باشد. بسیاری برای رسیدن به عدالت، جنگ را انتخاب می کنند و در راه عدالت، می جنگند. پس، پیداست که عدالت از صلح بالاتر و مهمتر است. حقیقت هم، همین است.

زندگی انسان بدون عدالت، همان چیزی است که شما در زشت ترین چهره های تاریخ بشر مشاهده می کنید. امروز هم در گوشه و کنار دنیا مشاهده می شود. همه بدبختیهایی که شما در جوامع مختلف می بینید، ناشی از ظلم و بی عدالتی است. ممکن است ظاهر امور، این را نشان ندهد؛ اما باطن قضیه، این است. اگر شما می بینید در گوشه ای از عالم، کودکان از بی غذایی جان خود را از دست می دهند، ظاهر قضیه این است که به دلیل نیامدن باران، خشکسالی شده است؛ اما باطن قضیه، چیز دیگری است. باطن قضیه، بی عدالتی است. اگر عدالت از نسلهای گذشته بر آن جامعه حکمفرما بود و چنانچه عدالت بر محیط زندگی بشر حکمفرما بود، انسان می توانست در سایه استقرار عدالت، محیط زندگی خود را طوری بسازد که برای او قابل زیست باشد و فرزند او به آن فلاکت نیفتد و زندگی، این قدر زشت و دردآور نشود. در اثر بی عدالتی، انسانیت دچار این بیماریها و دردهاست.

اولین هدف همه انبیا، در کنار آن ذکر، تأمین عدالت است. این دو هدف اصلی است. البته یکی اصلی تر است و آن، همان موضوع تذکر است. آن، ریشه ای و اساس قضیه است. اگر غفلت بیاید، چیزی عاید نخواهد شد و عدالت هم به وجود نمی آید. لذا، شما دیدید آن نظامها و کسانی که مدعی عدالت اجتماعی بودند، نتوانستند چیزی از نوع عدالت، به مردم جوامع خودشان هدیه کنند. چرا؛ چیزهای دیگر دادند! فضاوردی به آنها دادند، موشکهای قاره پیمای برایشان ساختند؛ اما عدالت اجتماعی را نتوانستند مستقر کنند! عدالت اجتماعی، در سایه اصلاح انسان، نفوس و بواطن و در سایه توجه به خدا و ذکر، حاصل خواهد شد. این دو، هدف پیغمبر است و نتوانست آنها را محقق کند؛ ولو در دایره ای محدود.

او جامعه ای به وجود آورد متذکر، آگاه و برخوردار از حدّ اعلاي عدالت اجتماعی. ممکن بود در گوشه ای از آن جامعه، کسی به کسی ظلم بکند؛ اما این، ملاک فقدان عدالت اجتماعی نیست. ملاک وجود و عدم عدالت اجتماعی، استقرار حاکمانه عدالت اجتماعی است. در جامعه ای که قانون و حکمروایی عادلانه است، حکمران عادل است و نیّت، نیّت عدالت است، حرکت عمومی به سمت عدالت اجتماعی است. ممکن است دیر یا زود این راه طی شود و مدتی طول بکشد؛ اما بالاخره به عدالت اجتماعی خواهد رسید. چنین وضعیتی را پیغمبر اکرم به وجود آورد.

کمترین بی عدالتی را، آن بزرگوار برنتافت و نپذیرفت. الگو نشان داد، که البته ما پس از حیات مبارک نبی اکرم، آثار آن تربیت را تا مدتها در جوامع اسلامی دیدیم و باز در دوران امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام، همان عدالت مطلق را در شخص حاکم مطهر و بزرگوار دنیای اسلام در آن زمان، مشاهده کردیم.

این دو خصوصیت، از ویژگیهای بعثت است. ما که بعثت را جشن می گیریم، برای این است که این ویژگیها احیا

شود. جشن می‌گیریم به خاطر زنده نگهداشتن شخصیتها، راهها و حادثه‌ها و برای درس گرفتن از آنها. آنچه که امروز ملت ایران را سرفراز می‌کند، این است که در جهت این بعثت، یک حرکت عظیم و اساسی انجام داده است. دشمنان دربار ما، خیلی حرفهای دروغ می‌زنند؛ اما این را نمی‌توانند منکر شوند که نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران، برای احیای ارزشهای اسلام و تجدید بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم قیام کرده است، و این، افتخار ماست. چیزی هم که موجب شده است این ملت تا امروز در این راه مقاومت کند، همین بوده است. لذا، اگر شما متن جامعه را مشاهده کنید، خواهید دید که جامعه ما بحمدالله یک جامعه غفلت زده نیست. مردم، مردم، مردم، ذاکر و متذکر هستند؛ دنبال حقیقت و در راه حقیقتند. برای آنها، ارزشهای معنوی و الهی حقیقتاً ارزش است. مادیات را فدای معنویات می‌کنند؛ معنویات را فدای مادیات نمی‌کنند. روال عمومی جامعه ما این است. البته، همه نوع انسانی در همه جا پیدا می‌شود. در آن قسمت دوم هم، اساس جامعه نظام جمهوری اسلامی، «لیقوم الناس بالقسط» است. هدف، عدالت و قسط اجتماعی است. جامعه، زمانی به صلاح، آبادانی، عمران و نجات حقیقی خواهد رسید که این تأمین شود.

نظامهای سرمایه داری در دنیا، دنبال آبادی، عمران و پیشرفت علم و صنعت در کشورهایشان رفتند؛ بدون این که به اصل عدالت اجتماعی، اهتمام قابل اعتنایی داشته باشند. البته خیلی از آن هدفها را توانستند کسب کنند؛ مانند کسب علم، زندگی راحت، فناوری پیشرفته، زندگی لوکس و کسب قدرت نظامی. اینها به دست آمد و این هم وعده الهی است. خداوند متعال وعده فرموده است که هر ملتی، چنانچه به طور جدی به دنبال هر هدفی حرکت کند، به آن هدف خواهد رسید. در این، شک نیست. آنهایی هم که به طور جدی حرکت کردند، به همان مقدار، به این ظواهر زندگی؛ یعنی به ثروت جامعه، قدرت نظامی و قدرت و پیشرفت علمی رسیدند؛ اما در زندگی شان، سعادتمند نشدند. در آن کشورها، دردهای بشریت، تمام نشده است. ثروتی که در آن جامعه هست، عده‌ای از افراد جامعه را برخوردار کرده است؛ اما نتوانسته اند تبعیض را برطرف و عدالت اجتماعی را برقرار کنند. حتی برای کسانی هم که از زندگی راحت برخوردارند، نتوانستند راحتی حقیقی، آرامش روحی و زندگی خوش به وجود آورند. آب خوش از گلویشان پایین نمی‌رود. انواع و اقسام گرفتاریها، گریبان آنها را گرفته است. البته بعضی از گرفتاریها فوری ظاهر می‌شود و بعضی بعد از مدتی ظاهر می‌گردد، که اکنون وقت ظاهر شدن گرفتاریهای آنهاست. دنیای غرب، ممکن است بیست تا چهل سال پیش این طور نبوده است؛ اما اکنون گرفتاریهای زندگی مادی، گریبان آن را گرفته است. دلیل آن، این است که به معنویت و عدالت اجتماعی توجه نکرده است.

نظامی که براساس بعثت بنا شده باشد، هدفش، سعادت و زندگی راحت برای بشر است و این، جز با آن دو هدف، تأمین نمی‌شود. اگر این طور شد، دیگر دشمنیها هم اثر نمی‌کند. بسیاری متحیرند که چه شد آن روزی که دو ابرقدرت بودند و هر دو ابرقدرت علیه ما اقدام می‌کردند، نتوانستند به جمهوری اسلامی آسیبی برسانند! امروز هم که یک ابرقدرت نابود شده و یکی مانده است، او و همدستانش - چه دولتهای پیشرفته و چه دولتهای ضعیفی که از روی حقارت و ذلت، همدستی امریکا را پذیرفته اند و با هم تلاش می‌کنند - نمی‌توانند به جمهوری اسلامی، ضربه کاری وارد کنند. سرش، همین ایمان، توجه و پایبندی مردم به دین، حضور معنویت در زندگی مردم و این احساس است که نظام جامعه به سمت عدالت حرکت می‌کند. البته دشمن خیلی عریده می‌کشد و بسیار هم تهدید و اقدام می‌کند. منتها اقدام او، اقدام مؤثری نیست. فرق است بین نظامی که از مردم خود بریده است و ملتی که متکی به معنویت نیست، با ملتی معنوی که با نظام و حکومت خود یکپارچه است و بین آنها ارتباطات مستحکمی وجود دارد. مردم، دولت و رئیس جمهور را از خود می‌دانند. گاهی آنها را از فرزندان خودشان هم بیشتر دوست می‌دارند. مردم به نمایندگان مجلس و رؤسای قوا، علاقه مندند. آنان را از خودشان می‌دانند و از ایمان و معنویت هم برخوردارند. این ملت و دولت را نمی‌توان با آن نظام بریده منقطع از مردم خود مقایسه کرد. لذا، آن تهدیدها اثر نمی‌کند.

البته تهدیدهایی هم که این اواخر می‌کنند، در حدّ جلافت است. این مسؤولان دولت امریکا، تهدید دولت و ملت ایران را به حدّ رکاکت و جلافت رسانده اند. با سبکی تهدید می‌کنند. کارهای آنان از نظر افکار عمومی دنیا، مردود

است و حرفه‌های بیجا می‌زنند. کنگره آمریکا بودجه تعیین می‌کند تا در جمهوری اسلامی فعالیت‌های خرابکاری کنند. خوب؛ مگر تا به حال در نظام جمهوری اسلامی، فعالیت‌های خرابکاری نشده است؟! مگر تا به حال خرابکاران مزدور شما، طعم مشت پولادین ملت ایران را نچشیده‌اند که یک بار دیگر می‌خواهند امتحان کنند؟! بدیهی است که هرگاه ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران احساس کنند که سرانگشته‌های مزدور آمریکا، یا هر قدرت متجاوز دیگری در داخل کشور مشغول فعالیت است، با آنها به صورت قاطع و کوبنده برخورد خواهند کرد. ملت، بحمدالله، زنده، بیدار، آماده و در صحنه است و شما کارگزاران عزیز نظام جمهوری اسلامی، به چنین ملتی خدمت می‌کنید. شما برای این مردم کار می‌کنید. شما مسؤولان و دست‌اندرکاران قوای سه‌گانه قوه مجریه، قوه قضائیه، نمایندگان محترم مجلس و دیگران در بخش‌های مختلف، نیروهای نظامی، نیروهای انتظامی، ارتش، سپاه و همه، برای این مردم کار می‌کنید؛ مردمی با چنین ایمان و عزمی. دعای امروز هم، همین مضمون را دارد: «و قد علمت ان افضل زاد الراحل الیک عزم و ادارة یختارک.» این عزم و اراده انسان، که موجب اختیار راه خدا شود، اساس چیزهاست، و ملت ایران این را دارد. برای چنین ملتی تلاش می‌کنید، باید خیلی قدر بدانید، و هرچه می‌توانید، کوشش کنید و از کار خسته نشوید و ان شاءالله به اجر الهی امیدوار باشید.

امیدواریم توجهات و ادعیه زاکیه ولی عصر ارواحنا فداه، شامل حال همه شما باشد و از توفیقات الهی برخوردار باشید.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته.